

متن پرسش

سلام استاد خدا قوت: در رابطه با این بیت از مولوی «آب کم جو تشنگی آور بدست / تا بجوشد در تو از بالا و پست» یه چند تا مسئله دارم که باهاتون در میان می‌گذارم؛ حدود چند سالی میشه که مطالعه دارم و با آثار شما علی‌الخصوص و بقیه متفکرین مانوس هستم، مانوس که نه یه چیزکی می‌فهمم. خدا رو شکر یه سری مسائل رو خوب درک می‌کنم، اما همچنان اون اضطراب و سرگشتگی هنوز باقی است. یکی از بزرگان یه جمله می‌فرمودند که «انسانی که تشنه نیست اگر آب بخوره باد میکنه» و بنده حس می‌کنم یک چنین حالی دارم و از این مطالعاتم فقط باد کرده‌ام. الان هم یه سرگشتگی توی موضوعات دارم، نمیدونم چی بخونم، یه کم رمان میخونم بعد میگم نه باید انقلاب بخونم بعد رها می‌کنم می‌شینم پای معرفت‌النفس و خلاصه یه سرگشتگی از این جنس دارم. و اصلا هیچ مسیری رو طی نمی‌کنم و اصلا هیچ جدیتی تو خودم حس نمی‌کنم. این بیت مولوی تو ذهنم بود تا الان که دارم خدمتتون بابش رو باز می‌کنم، احساس می‌کنم اصلا تشنه نیستم و فقط هوس هستش، به خاطر همین جدیتی برای هیچ چیز ندارم. مسئله‌ام اینه؛ ۱. کی میشه که انسان تشنه بشه؟ اصلا چطوری باید تشنگی آورد بدست؟ ۲. با این حال تو این وضعیت مطالعه کردن مفیده یا مضره؟ مطالعه کردن رو رها کنم برم و وقتی تشنه شدم بیام؟ ۳. این سرگشتگی برای مطالعه و در کل جدی نبودن در کارها و بی خیالی رو چیکار کنم؟ ریشه‌اش کجاست؟ خیلی وقته تحمل کردم که سوال نپرسم و صبر کنم به اعتبار اینکه «مرغ صبر پُرآن‌تر بود» ولی مثل اینکه بلد نیستم صبر کنم. شما از این گفته‌ها، ناگفته‌های من رو بخونید. خیلی ممنونم استاد که حرف‌های بنده رو میشنوید، حق پدری به گردنم دارین...ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. احساس حضور در عالم و در تاریخ، کارساز است. در این رابطه پیشنهاد می‌شود متون نوشتاری ۲۶ جلسه‌ی سوره‌ی جاثیه را با حوصله و تا آخر دنبال بفرمایید. ۲. پیشنهاد دنبال کردن افقی را دارم که در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» مطرح است. ۳. بعد از این دو مرحله، مباحث «انقلاب اسلامی، طلوع جهانی بین دو جهان» را دنبال بفرمایید. البته هنوز ما جهان خود را پیدا نکرده‌ایم تا از این نوع قبض و بسط‌ها که گرفتار آن می‌شوید راحت شویم ولی بالاخره این راه را خداوند در مقابل ما گشوده است. موفق باشید